

تأثیر اندیشه، افکار و آثار شریف جرجانی در شبه‌قاره

شهره معرفت* (استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: میر سید شریف جرجانی، متکلم، فیلسوف، منطقی، ادیب و منتقد ایرانی قرن هشتم و نهم هجری است. جرجانی آثار فراوانی دارد و بر بسیاری از کتب متقدم و متأخر خود، شرح و حاشیه نوشته است. نفوذ اندیشه‌ها، آرا و آثار جرجانی حتی در سرزمین‌هایی که او در آن‌ها نبوده است، بسیار است. گستره نفوذ او چنان بود که نویسندگان ایرانی، ترک، عرب و همچنین شبه‌قاره آناش را می‌خوانده و به نوشته‌هایش استناد می‌کرده‌اند. در طی چند قرن، در شبه‌قاره هند، آثار جرجانی را در نظام مدرسی می‌خوانده و بر آن‌ها شرح و حاشیه می‌نوشته یا تحریرهای تازه‌ای از آن‌ها فراهم می‌آورده‌اند. همچنین گاه به تلخیص یا ترجمه آن‌ها می‌پرداخته‌اند. نسخه‌های خطی، کتاب‌های چاپ سنگی و سربلی آثار جرجانی در کتابخانه‌های این سرزمین‌ها فراوان است. شاگردان و نوادگان جرجانی هم در جریان گسترش آرای او در آنجا مؤثر بودند. در این مقاله، پس از اشاره به زندگی، احوال و آثار جرجانی، با تأکید بر منابع نوشتاری شبه‌قاره، به بررسی تأثیر آرا و آثار او در این سرزمین‌ها می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: جرجانی، شبه‌قاره، نسخ خطی و چاپ‌های سنگی، نظام مدرسی، تلخیص و شرح.

۱. مقدمه

۱-۱. درآمدی بر زندگی، احوال و آثار شریف جرجانی با تأکید بر منابع شبه‌قاره

شریف‌الدین علی بن محمد بن علی حسینی جرجانی، متکلم، منطقی، ادیب و منتقد ایرانی (۷۴۰-۷۴۰)

۸۱۶ق)، مشهور به «سید شریف» (الکنوی، ص ۱۲۵) است. السخاوی در الضوء اللامع (ج ۵، ص ۳۲۸) و وجیز الکلام (ج ۲، ص ۴۲۹) برای جرجانی عنوان و کنیه «السید الزین أبو الحسن» را می‌آورد؛ مدرّس (ج ۳، ص ۲۱۳)، با اشاره به نسب جرجانی، او را «حسینی حسینی نسب» می‌خواند. برخی هم با عنوان «شریف‌الدین» (معصوم‌علی‌شاه، ج ۲، ص ۶۸۹) یا «زین‌الدین» (مقریزی، ج ۲، ص ۵۲۴) از او یاد می‌کنند و دیگران پسوند «شیرازی» را هم بر نامش می‌افزایند (حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۱۳۸). نسب جرجانی با سیزده واسطه به محمد بن زید می‌رسد (شوکانی، ج ۱، ص ۴۸۸). برخی از منابع، از جمله در شبه‌قاره، جرجانی را زاده «جرجان» (الکنوی، ص ۱۲۵) و برخی دیگر زاده قریه «طاغو» (از توابع استرآباد) (خواندمیرا، ج ۳، ص ۵۴۶) می‌دانند. مدرّس (ج ۳، ص ۲۱۴) جرجانی را «استرآبادی الأصل جرجانی المولد، شیرازی المدفن» می‌خواند.

شریف جرجانی نزد استادانی چون نورالدین طاووسی و مخلص‌الدین ابوالخیر علی درس خواند (السخاوی، ج ۵، ص ۳۲۸). در نوجوانی بر الوافیه فی شرح الکافیة رکن‌الدین استرآبادی تعلیق‌ه نوشت و نخستین آثار خود را از جمله کتابی به زبان فارسی در نحو عربی نگاشت (الکنوی، ص ۱۲۵-۱۲۶)؛ سپس به هرات رفت و از محضر قطب‌الدین رازی بهره برد. قطب‌الدین با درک استعداد جرجانی، او را برای تحصیل نزد شاگردش، شمس‌الدین محمد بن مبارک شاه هروی (مشهور به میرک بخاری)، در قاهره فرستاد (همو، ۱۲۶-۱۲۷). شریف در راه عزیمت به قاهره، با اطلاع از شهرت درس جمال‌الدین محمد بن محمد آق‌سرای به سوی قرامان در آسیای صغیر حرکت کرد؛ اما رسیدن او بدان شهر مصادف شد با مرگ جمال‌الدین (وفات: پس از ۷۷۰ق). در آنجا با شمس‌الدین محمد فتّاری آشنا شد و با او به مصر رفت. در قاهره نزد اکمل‌الدین محمد بن محمود بابرّتی، به تحصیل علوم شرعی، و نزد میرک بخاری به خواندن منطق و کلام پرداخت. شریف چهار سال در سعید السعداء قاهره ماند (همو، ص ۱۲۷-۱۲۸)؛ سپس به ایران بازگشت. در اطراف شیراز در زئی لشکریان و به واسطه سعدالدین انسی (از رجال و وزراء فارس) به خدمت شاه شجاع مظفری (حک ۷۶۱-۷۸۶ق) رسید و یکی از آثار خود را بدو تقدیم کرد (غنی، ج ۱، ص ۳۹۱؛ نیز نک: اختر، ج ۱، ص ۸۳۰). شاه شجاع با مطالعه این اثر، منصب تدریس در مدرسه دارالشفّا را به جرجانی داد و او ده سال در شیراز ماند (نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۲۱۸) و از جمله کسانی بود که در سده ۹ق، هسته مرکزی علمی و کلامی را در شیراز پایه‌گذار (عیوضی، ص ۲۷). او پس از فتح شیراز به وسیله امیر تیمور گورکانی (۷۸۹ق)، با وساطت یکی از وزرای تیمور امان یافت. امیر چندی بعد او را با خود به سمرقند برد (طاش‌کوبری‌زاده، ص ۳۰). تیمور، سادات و علما، از جمله جرجانی را به‌عنوان غنیمتی معنوی با خود همراه کرد و جرجانی در مکتوبی به تیمور، او را «مروّج دین» دانست (حسینی تربتی، ص ۱۸۰).

شریف در مدرسه ایکی تیمور در سمرقند به تدریس مشغول شد (خنجی، ص ۲۶۰). مناظره مشهور او با سعدالدین تفتازانی، در همین دوره اتفاق افتاد.^۱ جرجانی تا مرگ تیمور (وفات: ۸۰۷ق) در سمرقند ماند و بعد به شیراز بازگشت (خواندمیرا، ج ۳، ص ۵۴۷) و تا زمان مرگ در همان جا ماند. بنا به روایت العفیف الجرهی و ابوالفتح الطاوسی، سید شریف در سال ۸۱۶ق درگذشت (غنی، ص ۱۵۲؛ روملو، ج ۱، ص ۲۰۵). السخاوی (۱، ج ۵، ص ۳۲۹ و ۳۳۰) این تاریخ را از روایت‌های دیگری چون ۸۱۴ق (مقریزی، ج ۲، ص ۵۲۶) صحیح‌تر می‌داند. برخی از تذکره‌نویسان شبه‌قاره تاریخ وفات جرجانی را به‌خطا آورده‌اند (نک: لکهنوی، ص ۳۵۰). قاضی محمد صادق خان اختر (وفات: ۱۲۷۴ یا ۱۲۷۵ق)، صاحب تذکره آفتاب عالمتاب، تاریخ درگذشت شریف جرجانی را ۸۱۶ق و به قولی ۷۹۷ق آورده است (اختر هوگلی، ج ۱، ص ۸۳۰). واله داغستانی (ج ۲، ص ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷) هم این تاریخ را ۷۹۷ق ضبط کرده است. در یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه فقیر سید مغیث‌الدین در لاهور، با عنوان «وفات‌نامه پیران»، تاریخ وفات بزرگانی چون تفتازانی، شاه نعمت‌الله، جامی، شاه علاء‌الدین مجذوب اکبرآبادی، غوث گولپاری و از جمله شریف جرجانی به نظم درآمده است (منزوی، ج ۱۱، ص ۱۱۱۵) که نشان اهمیت و جایگاه جرجانی در آن دیار است. پیکر جرجانی را در جنب مدرسه دارالشفا، نزدیک جامع عتیق شیراز، به خاک سپردند (السخاوی، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۰). فرصت (ج ۲، ص ۷۶۷) نیز، هرچند با تردید، این مطلب را بنا به نظر جمهور تأیید می‌کند. در مکتب جرجانی، شاگردان بسیاری پرورش یافتند^۲ که برخی از آنها به شبه‌قاره نیز راه یافتند و در این باره پس از این سخن خواهیم گفت.

۱. این مناظره با حضور تیمور و داوری نعمان‌الدین خوارزمی، در باب بخشی از کتاب الکشاف زمخشری برگزار شد و با برتری جرجانی و تألم تفتازانی به پایان رسید تا جایی که گفته‌اند این امر در مرگ تفتازانی مؤثر بود (اللکنوی، ص ۱۲۸-۱۳۰)؛ تنکابی (ص ۹۱۴ و ۹۱۵) درباره معارضة جرجانی با تفتازانی آورده است که هرچند جرجانی چندی نزد تفتازانی تلمذ کرده بود؛ اما هر گاه تفتازانی کتابی می‌نگاشت، او نیز در برابرش کتاب دیگری می‌نوشت. تنکابی شرح این معارضات گاه لطیفه‌وار را در کتابش آورده است.

۲. از جمله شاگردان جرجانی‌اند: خواجه علی سمرقندی، از استادان جامی (فخرالزمانی قزوینی، ص ۱۰۱)؛ نیز نک: کاشفی، ج ۱، ص ۲۳۵)، سعدالدین اسعد دوانی کازرونی که بارها در کتابش از جرجانی نام برده است (نک: الدوانی، ص ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۹۴)، محیی‌الدین کوشکناری و خواجه حسن شاه بقال (خواندمیرا، ج ۲، ص ۲۶۹)، ابن قاضی سماونه (طاش‌کوپری‌زاده، ج ۲، ص ۲۶۱)، ابواللیث فقیه (اوحدی، ج ۵، ص ۲۸۸۱) و... گفته‌اند که حافظ شیرازی نیز مدتی شاگرد شریف بوده است (فرصت، ج ۲، ص ۷۸۴)؛ اما با توجه به این‌که جرجانی در ۷۸۰ق، یعنی ۱۲ سال پیش از وفات حافظ به شیراز آمده و در آن تاریخ که شریف جوان بوده، حافظ پیرمردی بوده، درستی این نظر محل تردید است (غنی، ج ۱، ص ۳۹۲).

بیشتر مآخذ^۱ و از جمله برخی از مآخذ شبه‌قاره (نک: الکنوی، ص ۱۲۵)، جرجانی را حنفی‌مذهب شمرده‌اند؛ اما برخی از تشیع او سخن گفته‌اند (نک: نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۲۱۷). همچنین حکایتی از قول شافعیان فارس آورده‌اند مبنی بر آنکه امیر تیمور او را به انتخاب دو مذهب شافعی و حنفی (مذاهب شایع در فارس، خراسان و ماوراءالنهر آن زمان) مختار کرد و او مذهب حنفی را برگزید؛ چرا که بیشتر نزدیکان شاه، حنفی بودند (همو، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۱۹). از اشاره‌های جامی در نفحات الأنس (جامی، ص ۳۹۴) برمی‌آید که جرجانی پیش از صحبت زین‌الدین کلاه، مذهب رفض (تشیع) داشته است (نیز نک: محمد قدرت‌الله گوپاموی، ص ۴۱۴).

ظاهراً جرجانی در اواخر عمرش از علوم ظاهری و رسمی منصرف شد و راه سیر و سلوک را پیمود. آثاری چند در تصوف از او باقی مانده یا منسوب بدوست. عیسی بن جنید شیرازی (ص ۳۶۴)، از معاصران جرجانی، او را «صوفی باصفا» می‌خواند. نشان دیگری از گرایش‌های صوفیانه او را می‌توان از روابطش با صوفیان دانست؛ برای نمونه، برخی ضمن گزارش سفر شاه نعمت‌الله به شیراز، درباره استقبال جرجانی از او و روابط صمیمانه آن دو سخن گفته‌اند (مستوفی باقی، ص ۳۲؛ کرمانی، ص ۸۶). افزون بر این، گفته‌اند که جرجانی به شیخ زین‌الدین کلاه و خواجه علاء‌الدین محمد عطار بخاری، از خلفای شیخ بهاء‌الدین نقشبند هم ارادت می‌ورزیده است (الکنوی، ص ۱۳۰؛ محمد قدرت‌الله گوپاموی، ص ۴۱۳)، هرچند برخی از منابع شبه‌قاره، پیوند شریف با خواجه علاء‌الدین را محل تردید دانسته‌اند (نک: آزاد بلگرامی، ص ۲۱۲-۲۱۳).

عصر تیموریان دوره تنزل علم و ادب و قلت کتب تصنیفی و کثرت شرح و حاشیه و تفسیر مؤلفات پیشین است. بیشتر آثار جرجانی نیز که آن‌ها را قریب صد اثر دانسته‌اند، از این نوع است.^۲ الکنوی (ص ۱۳۰-۱۳۷) شماری از آثار شریف جرجانی را در کتابش برمی‌شمارد. به نوشته همو آثار جرجانی از گستردگی علم او حکایت می‌کند و عباراتش فصیح و دقیق است (همو، ص ۱۲۵)، هرچند در آثار فارسی او واژه‌ها و ترکیبات عربی فراوان ملاحظه می‌شود. در باب استعداد شگرف جرجانی فراوان سخن گفته‌اند (برای نمونه، نک: الخوانساری، ج ۵، ص ۳۰۰).

۱. در این باره، نک: مدرّس، ج ۳، ص ۲۱۳، سیوطی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. درباره حاشیه‌نویسی‌های جرجانی چنین آورده‌اند: «حاشیه‌نویسی او نوع ادبی خاصی است که با بسیاری از حاشیه‌نویسی‌های دیگر متفاوت است. او چندان تمایلی ندارد که آرای خود را منعکس کند، بلکه بیشتر هم خود را صرف توضیح متن و روشن کردن منظور آن می‌کند؛ گاهی حتی با مراجعه به نسخ مختلف، کوشش‌هایی در زمینه تصحیح متن کرده است» (شکیبانی و پورجوادی، ص ۱۳۶).

۱-۲. شریف جرجانی در تذکرة‌های شبه‌قاره

تذکرة‌های شبه‌قاره، شریف جرجانی را «سید سند» و «پیر» می‌نامند و او را از «راویان معتبر» و از «علمای حکمت» می‌دانند. افزون بر علم و فضل جرجانی، این تذکرة‌ها به عارف بودن او و شاعری‌اش اشاره دارند. نویسندگان این منابع، بارها به سخنان جرجانی استناد کرده‌اند.

در تذکرة‌های شبه‌قاره، بارها به نام و ذکر نکته‌ای درباره‌ی جرجانی برمی‌خوریم که این امر نشان شناخته بودن جرجانی و آثار او و تأثیرگذاری آرا و آثارش در آن سرزمین‌هاست. مثلاً قاطعی هروی (وفات: ۱۰۲۴)، در تذکرة‌اش، مجمع‌الشعراى جهانگیرشاهی، و در «ذکر خیر عین‌الملک»، به «میر سید شریف» اشاره می‌کند؛ اما اطلاع خاصی از او به دست نمی‌دهد (نک: قاطعی هروی، ص ۵۹). سراج‌الدین آرزو (وفات: ۱۱۶۹ق)، درباره‌ی جرجانی چنین آورده است: «پایه‌ی دانش او از اینجا قیاس باید کرد که مصنفات او افاده‌ی بخش مبتدی تا منتهی است» (آرزو، ج ۲، ص ۷۵۷). میر غلامعلی آزاد بلگرامی (وفات: ۱۲۰۰ق) در مآثر الکرام و در شرح احوال «حافظ امان‌الله بن نورالله بن حسین بنارسی» (وفات: ۱۱۳۳ق. از فحول علمای هندوستان)، از زبان شیخ محمد یحیی (وفات: ۱۱۴۴ق. از علمای هند و صاحب تصانیف فراوان)^۱ به حافظ امان‌الله می‌گوید که او بر «سید سند»، یعنی شریف جرجانی رجحان دارد و حافظ امان‌الله از سر تواضع در پاسخ می‌گوید که وی با سید مسئله‌ای ندارد (آزاد بلگرامی، ص ۲۱۲-۲۱۳). چنین قیاسی نشان جایگاه والای جرجانی در شبه‌قاره است که گاه بزرگان آن دیار را به چالش و برتری‌جویی وامی‌داشته است (برای نمونه‌های دیگر در این باره، نک: واله داغستانی، ج ۲، ص ۲۱۱۹). صاحب تذکرة مخزن الغرائب (تألیف ۱۲۱۸ق)، ضمن اشاره به «تصانیف عالی» شریف جرجانی، از شریف در زمره شاعران نام برده و سه بیت از او را در تذکرة‌اش آورده است؛ هرچند جرجانی در منابع فارسی چندان به شعرش شناخته نمی‌شود. به نوشته‌ی صاحب این تذکرة، «جرجانی در فضل و کمال معروف جهان است... علم و فضل از او در مباهات است، نه او از علم و فضل» (هاشمی سندیلوی، ج ۲، ص ۷۸۸). محمد ثناء‌الله پانی‌پتی عثمانی (وفات: ۱۲۲۵ق)، از عارفان نقشبندیه و عالمان حنفی شبه‌قاره، در کتابش به سخنان شریف جرجانی استناد می‌جوید (ثناء‌الله پانی‌پتی، ج ۲، ص ۱۸۴). تذکرة‌نویس هندی، رحم‌علی خان ایمان (وفات: ۱۲۲۶ق)،

۱. درباره‌ی «شیخ محمد یحیی»، نک: رحمان علی، ص ۸۲.

۲. بیت‌های دوم و سوم را که در این تذکرة به نام شریف جرجانی آمده است، به دیگران هم نسبت داده‌اند (از جمله، نک: «آثار شعراء باستان»، ص ۲۴)؛ اما در سفینه‌ی صائب به نام جرجانی آمده است (نک: «آثار معاصرین»، ص ۳۳). مولوی محمد مظفر حسین صبا، صاحب تذکرة روشن (تألیف ۱۲۹۶ق) هم، بیت سوم را به نام «شرف [؟] جرجانی» آورده است (نک: صبا، ص ۴۱۶).

جرجانی را «علامهٔ زمانه و عارف یگانه» می‌خواند و دربارهٔ او چنین می‌آورد: «مهر منیر علمش بر افق کمال تافته و هر کس از مبتدی و منتهی به انوار تصانیفش اشراق فیض یافته» (ایمان، ص ۳۵۷). ابوالحسنات الّلکنوی (وفات: ۱۳۰۴ق)، از فقیهان حنفی شبه‌قاره، از جرجانی با عنوان «السید السند» و «عالم نحریر» یاد می‌کند (الّلکنوی، ص ۱۲۵). نیز در خلاصهٔ یکی از کتاب‌های دانشمند هندی، حامد حسین الّلکنوی (وفات: ۱۳۰۶ق)، جرجانی «از مشاهیر راویان حدیث» شمرده شده است (نک: الحسینی المیلانی، ج ۲۰، ص ۱۸) که نویسنده بارها به قول او استناد می‌جوید (همو، ۱۷، ص ۱۶۷، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۸۹؛ ۲۰، ص ۶۰، ۲۰۰، ۲۴۰). صدیق حسن خان (وفات: ۱۳۰۷ق)، جرجانی را از «علماء الحکمه» می‌خواند (صدیق حسن، ۱، ص ۸۷) و دارای کمال شهرت می‌داند (همو، ۲، ص ۲۶۲ و ۲۶۳). صدیق حسن در این کتاب، به تصانیف فراوان جرجانی در علوم معقول و منقول اشاره می‌کند و دو بیت هم از او نقل می‌کند. محمد بن احمد خواجگی شیرازی، اندیشمند و شاعر قرن دهم هجری قمری، است که در زمان سلطنت صفویان، از ایران به هند رفت و در دربار نظام‌شاهیان، قطب‌شاهیان و تیموریان ارج و قرب یافت. همو (خواجگی شیرازی، ص ۴۱) در کتابش تعریف «علم کلام» را از قول شریف جرجانی می‌آورد. صاحب کتاب شب‌های پیشاور^۱ هم جرجانی را از «روایت معتبره» می‌خواند و به نوشته‌های او استناد می‌جوید (سلطان‌الواعظین، ج ۲، ص ۲۱۹ و ۵۱۱). به نوشتهٔ شاهد چوهدری (وفات: ۱۳۹۶)، اقبال لاهوری (وفات: ۱۳۱۷)، هم به آرای جرجانی توجه داشته است (دراین‌باره، نک: چوهدری، ص ۱۰۷-۱۲۰). گفتنی است که در یکی از نسخه‌های خطی رسالهٔ کبری، در فهرست مخطوطات شیرازی، از جرجانی با عنوان «پیر» یاد شده است (حسین، ص ۲۲۵).

۲. جرجانی و تأثیر او در شبه‌قاره

از سرزمین‌هایی که افکار، آثار و اندیشه‌های میر سید شریف جرجانی در آنجا گسترش یافت و تأثیر گذاشت، شبه‌قارهٔ هند و پاکستان بود. این امر نمودهای مختلف و دلایلی چند داشت؛ از جمله:

۱-۲. سکونت برخی از نوادگان و شاگردان جرجانی در شبه‌قاره.

جرجانی به شبه‌قاره رفتند و در آنجا ماندگار شدند و صاحب مقام‌های علمی و سیاسی در آن سرزمین

۱. کتاب شب‌های پیشاور، نتیجهٔ مناظرات سلطان‌الواعظین با علمای اهل سنت در پیشاور پاکستان بوده است که ابتدا در جراید هند و سپس توسط مؤلف به چاپ رسیده است (دربارهٔ سلطان‌الواعظین و سفر او به شبه‌قاره، نک: اردشیری، ص ۱۸۰ و ۱۸۵).

شدند. نمود آن را در منابع تاریخی شبه‌قازه و تذکره‌های این سرزمین‌ها ملاحظه می‌کنیم.

از اواخر سده نهم هجری قمری «دانشمندانی از خراسان، از شاگردان به‌واسطه جامی و میر سید شریف جرجانی (گرگانی) استرآبادی...، به هند آمده و آثار استادان خویش را در این سامان رواج دادند» (ثبوت ۳، ص ۱۸)؛ برای نمونه، مولانا سماء‌الدین کنبوی دهلوی (وفات: ۹۰۱ق) شاگرد باواسطه جرجانی بود (عبدالحق محدث دهلوی، ص ۴۲۰) که سلطان سکندر لودی^۱ برایش احترام فراوانی قائل بود. «سلسله علوم ظاهری وی [سماء‌الدین] به یک واسطه به میر سید شریف جرجانی... منتهی می‌گردد» (دهلوی کشمیری، ص ۱۰۴). سماء‌الدین نزد مولانا ثناء‌الدین، از شاگردان سید شریف جرجانی تلمذ کرد. او مدتی در ملتان بود و سپس به دهلی رفت و در همان‌جا درگذشت. سماء‌الدین بر لمعات فخرالدین عراقی، حواشی‌ای نوشت و به حلّ دشواری‌های عرفانی آن پرداخت. همچنین او رساله‌ای دارد مستمی به مفتاح الأسرار که بیشتر آن منقول از رسایل شیخ عزیزالدین نسفی (عارف برجسته سده ۷ق) است (همو، ص ۴۲۰ و ۴۲۱). عبدالشکور ریوانی (معروف به رحمان علی)، از صوفیان و عالمان قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ق، تذکره‌ای دارد با عنوان تحفة الفضلاء فی تراجم الکملاء در شرح احوال علمای مقیم هند. نویسنده این تذکره، همان اطلاع عبدالحق محدث دهلوی^۲ را در باب شاگردی باواسطه مولانا سماء‌الدین نزد جرجانی در کتابش آورده است (رحمان علی، ص ۱۰۶). افزون بر آن، رحمان علی در شرح زندگی «مولانا شاه ولی‌الله دهلوی» (وفات: ۱۱۷۶ق)، محدث، فقیه و متکلم، چنین آورده است که او سند علمی خود را با چند واسطه از جرجانی گرفته است (نک: همان، ص ۳۱۲). همین ولی‌الله، صرف میر را برای پسرش عبدالعزیز به نظم درآورده است^۳ (نوشاهی ۳، ص ۵۵۳؛ نوشاهی ۱، ج ۱، ص ۳۴۴). از سادات بلندپایه‌ای که نسبشان به

۱. در زمان حکومت لودی، علاقه به علوم معقول زیاد شد. متکلمان آن زمان به خواندن آثار جرجانی، تفتازانی و خواجه نصیرالدین طوسی می‌پرداختند (رضوی، ص ۴۷)؛ درباره «سلطان سکندر لودی» (حک: ۸۹۴-۹۲۳ق)، نک: هدی، ص ۲۶-۳۴.

۲. عبدالحق محدث دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲ق)، فقیه، محدث، مفسر، عارف و شاعر اهل دهلی است. معروف‌ترین کتاب محدث دهلوی، اخبار الاخیار فی اسرار الابرار است، در شرح عرفای شبه‌قازه، صوفیان چشتیه، سهروردیه، قادریه و نقشبندیه (درباره این شخصیت، نک: حاج‌سیدجوادی، ص ۱۳۳-۱۴۶).

۳. محدث دهلوی در مقدمه این منظومه آورده است: «پیش از این مولانا جامی... بعضی از آن قواعد را به نظم درآورده بود و بعضی را هنوز تنقیح و تجدیدنظر نکرده بود، لاجرم بعضی ابیات او (جامی) را تیمناً و تبرکاً بدون تصرف آورده و در بعضی اشعار او به حسب ضرورت تصرف کرده و بعضی را بر همان سبک و وزن خودش سروده است» (نوشاهی، ج ۱، ص ۳۴۴). این منظومه در سال ۱۹۱۵م. در دیوبند به چاپ سنگی رسید.

شریف جرجانی می‌رسیده است، می‌توان به سید شاه میرک (وفات: ۹۷۶ق) از مقربان همایون پادشاه و نیز خان‌خانان بیرم‌خان (از امرا و وزرای سلسله گورکانیان هند) اشاره کرد (عبدالحق محدث دهلوی، ص ۴۵۹). شخصیت دیگر، میر مرتضی شریفی شیرازی (وفات: ۹۷۴ق)، نبیره جرجانی بود^۲ که پس از آموختن علم حدیث در مکه، به دکن و از آنجا به آگره رفت (شفیق اورنگ‌آبادی، ص ۲۳۰-۲۳۱؛ رحمان علی، ص ۲۷۹) و در هند در دستگاه اکبرشاه گورکانی (وفات: ۱۰۱۴ق) بر اکثر فضلا تقدم یافت و به تدریس علوم حکمی و دینی پرداخت (ثبوت ۳، ص ۲۱). او افزون بر این به منطق، ریاضی و شاعری هم می‌پرداخت (نک: رحمان علی، ص ۲۷۹). شریفی در همان هند وفات یافت و در جوار امیرخسرو دهلوی به خاک سپرده شد؛ اما تعصب مذهبی قاضی دهلوی، موجب انتقال پیکر او به مشهد شد (برای اطلاع بیشتر درباره «شریفی شیرازی»، نک: بداونی، ج ۳، ص ۲۲۰).

از برخی شاگردان شریف جرجانی هم در شماری از منابع شبه‌قاره نام برده شده است که در این سرزمین‌ها نبوده‌اند؛ از جمله فخرالدین عجمی (وفات: ۸۶۵ق) و فتح‌الله شروانی (وفات: ۸۸۰ق) (الکنتوی، ص ۱۳۰).

۲-۲. تدریس کتاب‌های شریف جرجانی در مدارس شبه‌قاره و تجدید چاپ کتاب‌های او و شرح‌نویسی بر آن‌ها. میر شریف جرجانی تأثیر بسزایی در حیات علمی و فکری مدارس شبه‌قاره داشت. آثار جرجانی از کتاب‌های مدرسی حوزه جغرافیایی شبه‌قاره بوده و کتاب‌های او سال‌ها در بسیاری از مدارس هند و پاکستان تدریس می‌شده است؛ برای مثال، در دارالعلوم اشرفیه مبارکپور، در پایه اول، نحو میر و در پایه چهارم، شرح قطبی جرجانی را درس می‌داده‌اند (ثبوت ۳، ص ۲۷ و ۲۸)؛ یا در جامعه حبیبیه الله‌آباد^۳ کتاب‌های صرف میر و نحو میر را درس می‌داده یا به تدریس صغری و کبری (هر دو کتاب در منطق) در پایه دوم می‌پرداخته‌اند (همان‌جا). صرف میر به‌عنوان کتاب درسی، بارها ضمن جامع‌المقدمات و جداگانه در شبه‌قاره چاپ شده است (منزوی، ج ۱۳، ص ۲۵۷۸)، این کتاب برای آموزش صرف عربی به مبتدیان بوده است (عباسی نوشاهی، ص ۷۱).

افزون بر آن، بزرگانی آثار جرجانی را نزد استادان خویش می‌خوانده‌اند؛ برای نمونه، علیم‌الله بن

۱. گفتنی است در مدخل «جرجانی، علی» در دانشنامه بزرگ اسلامی (نک: پورجوادی، ذیل «جرجانی، علی»)، تاریخ قتل

بیرم‌خان (مقتول در ۹۶۸ق)، به‌خطا به‌جای تاریخ درگذشت سید شاه میرک آمده است.

۲. برخی از تذکره‌های متأخر هندی، به‌خطا، شریفی شیرازی را با شریفی مشهدی، از معاصران علیشیر نوایی درهم آمیخته‌اند (نک: عظیم‌آبادی، ج ۲، ص ۲۰۵۴).

۳. درباره «دارالعلوم اشرفیه» و «جامعه حبیبیه»، نک: ثبوت ۲، ص ۱۷.

عبدالرشید لاهوری هندی (وفات: ۱۱۷۶) شرح شمسیه قطب رازی و حاشیه جرجانی بر این کتاب را نزد شیخ محمد افضل یوری خواند (نک: المرادی، ج ۳، ص ۲۷۶-۲۷۷)؛ یا تفضل حسین خان (مشهور به خان علامه)، ریاضی‌دان و حکیم هندی سده ۱۳ و ۱۴ق بود که در هجده سالگی به لکهنو رفت و نزد شیخ محمدحسن بن غلام مصطفی لکهنوی (وفات: ۱۱۹۹ق) شرح موافق (در علوم عقلی) جرجانی را خواند. (نک: رحمان علی، ص ۳۶؛ نیز نک: حسنی لکهنوی، ج ۷، ص ۱۱۲). همچنین، برخی از مدرّسان هند، سند اجازه تدریس خود را از جرجانی دریافت می‌کردند (در این باره، نک: کوموش، ص ۳۷).

طیف گسترده مخاطبان آثار شریف جرجانی در شبه‌قاره، نشان جایگاه علمی او و تأثیرش در آن سرزمین‌هاست که مؤید نظر تذکرنویسان شبه‌قاره درباره جرجانی است که مبتدیان و منتهمیان از آثارش بهره‌مندند.

مدرسی بودن کتاب‌های شریف جرجانی و توجه بزرگان شبه‌قاره به آثار او، موجب تجدید چاپ، حاشیه‌نویسی‌ها و شرح‌نویسی‌های مکرری بر آن‌ها شده است؛ از جمله کتاب‌های جرجانی که بارها در شبه‌قاره چاپ شده‌اند، عبارتند از: شرح موافق عضدی در لکهنو، دهلی (مدرّس، ج ۳، ص ۲۱۵؛ نیز نک: سرکس، ج ۱، ص ۶۸۰)، صرف میر در کلکته، لکهنو، بمبئی، کانپور، لاهور، ملتان، دهلی (نوشاهی، ج ۷، ص ۲، ۹۳۴)، منطق صغری در لکهنو، کانپور، لاهور، کراچی، دیوبند، نول‌کشور (همو، ج ۴، ص ۲۴۷)، منطق کبری در لکهنو، کانپور، لاهور، کراچی، نول‌کشور (همو، ج ۴، ص ۲۴۸)، رساله اوسط در لکهنو، لاهور، کراچی، کانپور (همو، ج ۴، ص ۲۴۵).

بسیاری از بزرگان شبه‌قاره بر برخی از آثار جرجانی شرح و حاشیه نوشتند؛ برای مثال، فقیه پنجابی، عبدالحکیم سیالکوتی (وفات: ۱۰۶۷ق)، بر شرح موافق جرجانی حاشیه‌ای نوشت. همچنین سیالکوتی حاشیه‌ای بر حاشیه تحریر القواعد المنطقیه جرجانی نگاشت (صدرایی خوبی، ج ۸، ص ۲۰۹). نور محمد مدقق بن شیخ محمد فیروز بن فتح‌الله لاهوری (دانشمند نامی قرن یازدهم) بر صرف میر شرحی نوشت با عنوان تحفه و به اورنگ‌زیب (وفات: ۱۱۱۸ق) تقدیم کرد (همو، ج ۸، ص ۶۱؛ نیز نک: نوشاهی، ج ۴، ص ۱۳۵۰؛ تسبیحی، ص ۳۱۴). همچنین محمد زاهد هروی (معروف به میر زاهد، منطقی و حکیم قرن یازدهم و دوازدهم هجری قمری) بر موقف دوم (امور عامه) از شرح موافق جرجانی حاشیه‌ای نوشت (مشار، ج ۲، ص ۸۴) که نسخه خطی‌ای از آن در دارالعلوم انجمن نعمانیه لاهور با حواشی محمد گل احمد عقیقی وجود دارد.

۱. نسخه‌ای خطی از شرح شمسیه در کتابخانه گنج‌بخش (۶۸۷۸) موجود است که آن را با تردید به جرجانی هم نسبت داده‌اند (منزوی، ج ۲، ص ۹۳۰).

(نوشاهی ۴، ج ۴، ص ۵۹۴). برخی هم بر حاشیه زاهدی بر کتاب جرجانی، حاشیه‌ای نوشتند؛ از این جمله‌اند: مولانا محمد مبین لکهنوی (وفات: ۱۲۲۵ق / عالم علوم عقلی و نقلی) (نک: رحمان علی، ص ۲۶۴). نیز احمدالدین بگویی (وفات: ۱۲۸۶ق) شرحی بر صرف میر با عنوان ضیاء الصّرف نوشت (همو، ۴، ص ۱۳۵۱). در دیباچه یکی از شرح‌های صرف میر که شارح آن ناشناس است، چنین آمده است: «برای رفع نیاز معلّمان به کتاب‌های مطوّل. از آنچه [از] استادان خود تحقیق کرده بودم و نیز محفوظ می‌داشتم، این گزارش را ساختم» (منزوی، ج ۱۳، ص ۲۵۹۱). در سال ۱۲۹۸ق در هند شیخ عبدالرشید علی، شرحی بر رساله شریفیه فی آداب البحت جرجانی نوشت که با حاشیه ابوالحسنات محمد عبدالحی همراه بود (نک: سرکیس، ج ۲، ص ۱۹۶۳). همو شرحی هم بر رساله الشّریفیه فی آداب البحت نگاشت که در سال ۱۲۹۸ق در هند چاپ شد (شکینانیا و پورجوادی، ص ۱۷۴). همچنین درباره شرح‌های دیگر آثار جرجانی، نک: رشیدیه (احمدخان ۲، ص ۲۳۱). علاوه بر این شرح‌ها و حاشیه‌نویسی‌ها، نویسندگان شبه‌قاره گاه تحریر تازه‌ای از آثار جرجانی فراهم آورده‌اند؛ برای مثال، فصول اکبری رساله‌ای است از سید علی اکبر حسینی اله‌آبادی (وفات: ۱۰۹۱ق) که ظاهراً تحریری است از صرف میر جرجانی (همو، ۱، ص ۱۱۲). فصول اکبری را در سال چهارم مدرسه احمد المدارس تدریس می‌کرده‌اند (تسیحی ۲، ص ۲۹۰). همچنین برخی آثار جرجانی، از جمله نحو میر (دست‌کم دو بار)، به زبان اردو ترجمه شده است (منزوی، ج ۱۳، ص ۲۵۸۸) که یکی از آن‌ها بدر منیر (همراه با شرح) و دیگری عزیز التّحاة نام دارد (اختر راهی، ص ۲۳۱). گزیده‌ها یا خلاصه‌هایی هم از آثار جرجانی در شبه‌قاره فراهم آمده است؛ از جمله در بیاضی، گزیده‌ای از صرف میر آمده است (عباسی نوشاهی ۱، ص ۴۹) یا نسخه خطی دیگری که خلاصه‌ای از همین کتاب است، در کتابخانه گنج‌بخش نگهداری می‌شود (تسیحی ۱، ص ۱۸۹).

۲-۳. نسخه‌های خطی و چاپ‌های سنگی آثار جرجانی در شبه‌قاره. بیشتر آثار جرجانی به زبان عربی است. تنوع موضوعی این آثار (تفسیر، فقه، اصول، حدیث، علوم عقلی، منطق، عرفان، علوم بلاغی، ریاضیات، نجوم، موسیقی، رسائل، شعرهای فارسی^۱ و...)، دایره اطلاعات و توانمندی ذهنی جرجانی را نشان می‌دهد.

نسخه‌های خطی و چاپی آثار جرجانی در کتابخانه‌های داخل ایران (شیراز، اصفهان، تهران،

۱. برخی از تذکره‌های شبه‌قاره، ابیاتی از جرجانی را آورده‌اند؛ برای نمونه، آرزو در تذکره مجمع‌التقاس، بیتی را از سید شریف جرجانی آورده (نک: آرزو، ج ۲، ص ۷۵۷) یا آفتاب‌رای لکهنوی، در تذکره ریاض العارفین چهار بیت از جرجانی ضبط کرده است (نک: آفتاب‌رای لکهنوی، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۱).

مشهد، تبریز، قم و... و خارج از آن (کابل، مصر، ترکیه، عراق، سوریه، انگلیس، آلمان، آمریکا و...) فراوان است. بر آثار جرجانی شرح‌های بسیاری نوشته شده است و این آثار در مدارس تدریس می‌شده‌اند. به سبب کثرت آثار و با توجه به محور سخن، در این نوشتار، به ذکر آثاری از شریف که در شبه‌قاره هند خواننده داشته است، بسنده می‌شود.

از میان آثار متنوع جرجانی، بیش از همه، کتبی که در علوم عقلی، منطق، اصول، حدیث و قواعد زبان عربی است، در شبه‌قاره به چاپ می‌رسید. نسخه‌های خطی فراوانی از آثار وی در کتابخانه‌های شبه‌قاره موجود است. این نسخه‌ها از نظر موضوعی نسبت به چاپ‌های سنگی، تنوع بیشتری دارد. از این جمله است: صرف میر^۱ (نوشاهی ۶، ص ۳۶۲؛ نیز تسیحی ۱، ص ۳۵۲). نحو میر (نوشاهی ۶، ص ۳۷۲) که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های اسلام‌آباد و لاهور (نوشاهی ۴، ج ۴، ص ۱۳۷۲) و نیز کراچی، سرگودها و گجرات (همو، ج ۴، ص ۱۳۵۰) و پیشاور و شیخوپوره (منزوی، ج ۱۳، ص ۲۵۹۰) نگهداری می‌شود. سیر و سلوک (شوقیه یا عشق و محبت) (همو، ۲۳۹) در کراچی (منزوی، ج ۳، ص ۱۵۷۴)؛ شرح کافی^۲ در کلکته، دهلی، لکهنو، کانپور (نوشاهی ۴، ج ۲، ص ۹۵۶)؛ رساله اوسط در لکهنو، لاهور، کراچی (همو، ج ۱، ص ۲۴۵)، صغری در سرگودها، جهلم، راولپندی (هر سه از شهرهای پاکستان) (همو، ج ۴، ص ۵۹۶؛ نیز تسیحی ۱، ص ۳۵۶). نیز نسخه‌هایی از همین اثر در کتابخانه‌های اسلام‌آباد، لاهور، اتک، بهاولپور، کراچی، خیرپور، گوجرانواله (از شهرهای پنجاب) (منزوی، ج ۲، ص ۹۲۵ و ۹۲۶) موجود است. کبری در اسلام‌آباد، اتک، لاهور و کراچی (همو، ۲، ص ۹۲۶ و ۹۲۷؛ نیز نک: تسیحی ۱، ص ۴۷۶؛ حسین، ص ۲۲۵، ۶۵۲). رساله روح^۳ در لاهور (همو، ۳، ص ۵۸۵)؛ سؤال و جواب (تسیحی ۱، ص ۲۹۸؛ همان، ۲، ص ۹۶۴)؛ اسکندریه در کتابخانه ملی پاکستان در کراچی (شکیبانی و پورجوادی، ص ۱۴۱)؛ اقهار مسائل علوم ثلاثه در کراچی (منزوی، ج ۱، ص ۸۰۳)؛ الحاشیه علی المطول (خواجہ پیری، ج ۱، ص ۹۷)؛ شرح بوستان (حسین، ص ۴۴۲)؛ حاشیه عضدی^۴ (تسیحی ۲، ص ۲۴۸)؛ مناظره (تسیحی ۱، ص ۵۹۰)؛ رساله‌ای در معانی و بیان و بدیع (منزوی، ج ۳، ص ۱۲۲۷)؛ ترجمان القرآن (همو، ص ۱۰۲۳؛ نوشاهی ۵، ص ۳۹۰)؛ نسخه خطی دیگری با عنوان ترجمه قرآن مجید هم از این کتاب در شبه‌قاره موجود است که در انجامة آن چنین آمده است:

۱. نسخه‌ای از صرف میر در کتابخانه سید حسین احمد شاه در ضمن یک مجموعه موجود است (تسیحی، ص ۳۳۲).
۲. در کنار صفحاتی از نسخه متوسط (شرح کافی) که در کتابخانه دکتر نبی بخش خان بلوچ نگهداری می‌شود، حاشیه جرجانی کتابت شده است (تسیحی، ص ۳۹).
۳. برخی این رساله را منسوب به جرجانی دانسته‌اند (نک: شکیبانی و پورجوادی، ص ۱۵۳).
۴. این نسخه در کتابخانه دانشکده اسلامیة دانشگاه پیشاور نگهداری می‌شود.

«راقمه این قرآن مجید فرقان حمید، سید میر شریف جرجانی» (نوشاهی ۴، ج ۳، ص ۳ و ۴)؛ شرح ایساغوجی (تسیحی، ۱، ص ۲۹۸)؛ حاشیه تجرید الکلام (همو، ص ۱۵۴، ۱۶۲)؛ جامع التعلیلات (همو، ۱۳۴؛ منزوی، ج ۱۳، ص ۲۵۹۱ و ۲۵۹۲؛ عباسی نوشاهی ۲، ص ۹۲)؛ حواشی المتعلقة علی خطبة الكتاب قطبی (تسیحی، ۱، ص ۱۷۹)؛ حواشی بر تلخیص المفتاح (همو، ۱۷۸)؛ نسخه‌ای خطی هم با عنوان شرح فرایض میر سید شریف جرجانی در کتابخانه گنج‌بخش موجود است (تسیحی، ۱، ص ۳۱۷)، تعریفات جرجانی (همو، ۳۴، ۱۱۲)، حاشیه جرجانی بر شرح موافق^۱ (همو، ۱۵۶)، حاشیه الکشاف در کتابخانه ممتازالعلماء لکهنو (حسینی اشکوری، ص ۱۵۳)، شرح مشکوة المصابیح و نیز خلاصة الطیبی و الشریفیة شرح السراجیة در اسلام‌آباد (احمدخان، ۱، ج ۵، ص ۳۶، ۶۰، ۹۵؛ نیز نک: همان، ۱۱۴، ۱۱۶ و ۱۲۰؛ احمدخان، ۲، ص ۱۰۱). (برای آگاهی بیشتر از نسخه‌های خطی آثار جرجانی در کتابخانه‌های شبه‌قاره رک: نوشاهی ۲، ص ۴۶؛ همو، ۳، ص ۱۷۲، ۱۸۰؛ یزدی مطلق، ص ۱۴۰۴؛ نیز: شکیبانیا و پورجوادی، ص ۱۳۷-۱۸۲). برخی از نسخه‌ها هم در کتابخانه‌های شبه‌قاره هست که منسوب به جرجانی است؛ از جمله وجودیه^۲ (نوشاهی ۴، ج ۴، ص ۸۹۰)، صنع و صانع (رساله در معرفت، در حکمت و کلام) (منزوی، ج ۲، ص ۹۷۰)، حاشیه میر سید علی المتوسط (تسیحی، ۱، ص ۱۵۶) و محاکمة ابوالفتح (نوشاهی ۵، ص ۳۱۴). یادداشت‌هایی هم بر حواشی برخی از نسخه‌ها ملاحظه می‌شود که آن‌ها را از آن شریف جرجانی دانسته‌اند؛ برای مثال، بر یکی از نسخه‌های خطی با عنوان آداب بحث یادداشتی است که ظاهراً از جرجانی است (منزوی، ج ۲، ص ۹۱۹). برخی از آثاری که در زمره آثار جرجانی در نسخه‌های خطی موجود در شبه‌قاره بدان‌ها اشاره شد، در منابع کتاب‌شناسی جرجانی نیامده است و جست‌وجو در کتابخانه‌های این سرزمین‌ها چه‌بسا آثار تازه‌ای را از او به دست دهد یا دست‌کم در صحّت انتساب یا عدم انتساب این آثار بدو مفید باشد.

علاوه بر این نسخه‌های خطی، شماری از آثار جرجانی در شبه‌قاره بارها به صورت سنگی چاپ شده است که به نمونه‌هایی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌کنیم: شرح کافیه (کلکته، ۱۲۷۹ق؛ دهلی، ۱۲۸۵ق)، شرح المواقف (لکهنو، ۱۲۶۲ق؛ دهلی، ۱۲۹۰ق؛ هند، ۱۲۹۴ق)، صرف میر (هند، ۱۸۰۵م؛ لکهنو، ۱۸۷۱م؛ لکهنو، ۱۲۸۸ق؛ کانپور، ۱۲۹۷ق)؛ نحو میر (دهلی، ۱۳۱۱ق؛ لاهور، ۱۹۲۳م)، صغری در منطق (لکهنو، ۱۲۵۹ق، لکهنو، ۱۸۴۳م؛ نیز: ۱۲۶۴ق به همراه کبری)، منطق کبری (لکهنو، ۱۸۴۴)، حاشیه بر تحریر القواعد المنطقیة فی

۱. همچنین نسخه‌ای خطی از این کتاب در کتابخانه دارالعلوم دیوبند نگهداری می‌شود (نک: ثبوت، ۱، ص ۳۲).
۲. جرجانی رساله‌ای دارد در علوم عقلی با عنوان «رسالة فی الموجودات و مراتبها» یا «مراتب الموجودات» یا «رسالة الوجود» (درباره این رساله، نک: شکیبانیا و پورجوادی، ص ۱۴۸) که ظاهراً همین رساله وجودیه است.

شرح الشمسیة (کلکته، ۱۲۶۱ق، لکهنو، ۱۸۸۳)، ظفر الأمانی فی المختصر الجرجانی (هند، ۱۳۰۴ق)، رساله اصول الحدیث (دهلی، ۱۸۵۳؛ لکهنو، ۱۸۷۶) (برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: احمدخان، ۲، ص ۷۶-۷۸، ۱۰۰-۱۰۲، ۳۶۵؛ نوشاهی، ۱، ج ۱، ص ۳۵۴، ۳۶۸؛ مشار، ج ۴، ص ۳۷۷؛ نیز نک: شکینانیا و پورجوادی، ص ۱۳۷-۱۸۲). این آثار بیش از همه به قواعد زبان عربی و علوم عقلی تعلق دارند؛ همچنین برخی دیگر از آثار جرجانی در موضوعاتی چون تفسیر، حدیث، عرفان، علوم بلاغی و دائرةالمعارفی در شبه‌قاره به چاپ سنگی رسیده است.

نتیجه‌گیری

منابع و تذکره‌های شبه‌قاره به زندگی و احوال شریف جرجانی پرداخته و در آثار خود به سخنان او استناد کرده‌اند. آنان جرجانی را صاحب‌دانشی دانسته‌اند که دانشش به کار مبتدیان و منتهیان می‌آید و بر عارف بودن و راوی حدیث بودنش تأکید دارند. نویسندگان این کتاب‌ها درباره نام و احوال و آثار او سخن گفته‌اند و گاه در باب او سهوهای هم کرده‌اند. برخی از منابع شبه‌قاره، جرجانی را حنفی‌مذهب دانسته‌اند و برخی گفته‌اند او شیعی مذهبی بوده که به مذهب حنفی گراییده است. همچنین بسیاری از این منابع به گرایش جرجانی به بزرگان فرقه نقشبندیه اشاره کرده‌اند. در شماری از تذکره‌های شبه‌قاره، به شاعری جرجانی اشاره کرده و نمونه‌ای از شعرش را آورده‌اند. آثار جرجانی در شبه‌قاره به چاپ رسیده و نسخه‌های خطی فراوانی از آن‌ها، چه آثار فارسی و چه عربی او، در کتابخانه‌های آنجا وجود دارد که نمایانگر تأثیر آرا و آثار جرجانی بر این سرزمین‌هاست. چنان‌که از آثار چاپی و نسخه‌های خطی آثار جرجانی در شبه‌قاره برمی‌آید، از میان موضوعات متنوع آثار او، کتاب‌هایی که به حوزه‌های علوم عقلی، منطق، قواعد عربی، علوم بلاغی و حدیث تعلق دارد، بیش از دیگر موضوعات در این سرزمین‌ها مورد توجه بوده است. آثار او در قرون متمادی در مدارس شبه‌قاره تدریس می‌شده و بزرگان اهل شبه‌قاره آن‌ها را نزد استادان خود می‌خوانده‌اند و بر آن‌ها شرح و حاشیه می‌نوشته و تحریرهای تازه‌ای از آن‌ها فراهم می‌آورده‌اند. برخی از آثار او را هم به نظم درآورده یا خلاصه‌ای از آن‌ها فراهم آورده یا به زبان اردو ترجمه کرده‌اند. این امر از قرن نهم تا روزگار معاصر رواج داشته است که گستره نفوذ جرجانی را در این سرزمین‌ها نشان می‌دهد. بخشی از اندیشه‌ها و آثار جرجانی هم به واسطه شاگردان و نوادگانش در شبه‌قاره هند و پاکستان رواج یافت. برخی از بزرگان شبه‌قاره هم سند تدریس خود را از جرجانی دریافت کرده‌اند و این همه، نمودی است از تأثیر آرا و اندیشه‌های جرجانی در شبه‌قاره.

منابع

- «آثار شعراء باستان»، اخگر، ش ۴۵، ۱۳۲۸، ص ۲۳-۲۴
- «آثار معاصرین»، ارمغان، س ۱۲، ش ۱، ۱۳۱۰، ص ۳۰-۳۸.
- آرزو، سراج‌الدین علی‌خان، تذکره مجمع‌الفنّانس، به کوشش مهر نور محمدخان، با همکاری زبیب‌النساء علی‌خان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۲۰۰۶.
- آزاد بلگرامی، میر غلامعلی، مآثر الکرام (دفتر اول)، به اهتمام محمد قادر علی‌خان صوفی، مطبع مفید عام، آگره، ۱۹۱۰.
- آفتاب‌برای لکهنوی، تذکره ریاض‌العارفین، به تصحیح و مقدمه سید حسام‌الدین راشدی، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۷۶.
- احمدخان (۱)، فهرست نسخه‌های خطی خزانه مفتی در اسلام‌آباد (مقتنیات خزانه المفتی)، تصحیح سید محمود نریمانی، مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۸۸.
- _____، (۲)، معجم المطبوعات العربیة فی شبه‌القارة الهندیة الباکستانیة، مکتبة الفهد، ریاض، ۲۰۰۰.
- اختر راهی، ترجمه‌های متون به زبان‌های پاکستانی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶.
- اختر هوگلی، قاضی محمدصادق‌خان، تذکره آفتاب عالم‌تاب، تصحیح مرضیه بیگ‌وردی، زیر نظر یوسف بیگ‌باباپور، سفیر اردهال، تهران، ۱۳۹۲.
- اردشیری، حسین، «سلطان‌الواعظین شیرازی، الگوی تبلیغ»، مبلغان، ش ۸۷، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸-۱۹۰.
- اوحدی بلیانی، تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، به کوشش سید محسن ناجی نصرآبادی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۸.
- ایمان، رحم‌علی‌خان، منتخب‌اللطایف، تصحیح و توضیح حسین علیزاده و مهدی علیزاده، طهوری، تهران، ۱۳۸۶.
- بداونی، عبدالقادر بن ملوک شاه، منتخب‌التواریخ، به تصحیح مولوی احمد علی صاحب، با مقدمه و اضافات توفیق ه سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- پورجوادی، امیرحسین، «جرجانی، علی»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
- تسییحی، محمدحسین (۱)، فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و اس، تی، پرترز، اسلام‌آباد، ۲۰۰۰.
- _____ (۲)، کتابخانه‌های پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۷۷.
- تکابنی، محمد بن سلیمان، قصص‌العلماء، کتابفروشی علمیة اسلامیة، تهران، بی‌تا.
- ثبوت، اکبر (۱)، «دیوبندیان»، شبه‌قاره، ش ۱، ۱۳۹۲، ص ۲۷-۳۸.
- _____ (۲)، «فیلسوف شیرازی در هند»، اطلاعات حکمت و معرفت، س ۵، ش ۱۱، ۱۳۸۹، ص ۱۲-۱۹.
- _____ (۳)، «کتاب‌های ایرانیان در برنامه‌های مدارس اسلامی هند»، آینه میراث، ش ۴۰، ۱۳۸۷، ص ۱۳-۳۲.
- ثناء‌الله پانی‌پتی، التفسیر المظهری، مکتبة رشدیة، پاکستان، ۱۴۱۲.
- جامی، عبدالرحمن، نفحات‌الأنس من حضرات‌القدس، به کوشش محمود عابدی، سخن، تهران، ۱۳۷۰.

جرجانی، میر سید شریف، شرح المواقف مع حاشیتین لعبد الحکیم سیالکوتی و حسن چلی، مصحح بدرالدین التّعسانی، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۲۷ق.

چوهدری، شاهد، «ایران و اقبال»، مجموعه مقالات همایش علامه اقبال، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۰.
حاج سید جوادی، سید کمال، «عبدالحق محدث دهلوی»، آینه میراث، ۱۳۸۷، ش ۴۰، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳-۱۴۶.
حسنی لکهنوی، عبدالحی، زهه الخواطر و بهجة المسامع و التواظر، دائرة المعارف العثمانية، حیدرآباد دکن، ۱۹۵۹.
حسین، محمد بشیر، فهرست مخطوطات شیرانی، اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۷۳.
حسینی اشکوری، صادق، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ممتاز العلماء (لکهنو-هند)، مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۸۵.

حسینی تربتی، ابوطالب، تزوکیات تیموری، کتابفروشی اسدی، تهران، ۱۳۴۲.
حسینی فسایی، حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
الحسینی المیلانی، السید علی، نفحات الأزهار فی خلاصة عیقات الأنوار، بی جا، ۱۳۷۸ق.
خنجی، فضل الله بن روزبهان، مهمان نامه بخارا، به کوشش منوچهر ستوده، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۲۵۳۵.
خواجه شیرازی، محمد بن احمد، النظامية فی مذهب الإمامية (متن کلامی فارسی قرن دهم هـ ق)، تصحیح و تحقیق علی اوجبی، قبله، تهران، ۱۳۷۵.

خواجه پیری، مهدی (زیر نظر)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه راجه محمودآباد، لکهنو، با همکاری شریف حسین قاسمی، محمد اسلم خان و بهرام یمنی، مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند، دهلی، ۱۴۰۸ق.
خواندمیر، غیاث‌الدین (۱)، تاریخ حبیب‌السریر، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۵۳.
_____ (۲)، رجال کتاب حبیب‌السریر، به کوشش عبدالحسین نوابی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
الخوانساری، محمد باقر، روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات، به کوشش اسدالله اسماعیلیان، مکتبه اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱.

الدّوانی، جلال‌الدین محمد بن اسعد، ثلاث رسائل، به کوشش احمد تویسرکانی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۱ق.
دهلوی کشمیری همدانی، محمد صادق، کلمات الصادقین، تصحیح و تعلیق و مقدمه انگلیسی محمد سلیم اختر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۸.

رحمان‌علی، محمد عبدالشکور بن علی، تحفة الفضلاء فی تراجم الکملاء (تذکره علمای هند)، به کوشش یوسف بیگ باباپور، مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۹۱.

رضوی، سید اطهر عباس، «تأثیر ابن سینا بر جنبش‌های علمی و عقلی هندوستان»، ترجمه سید مهدی حسینی اسفیدواجانی، اطلاعات حکمت و معرفت، س ۷، ش ۲، ۱۳۹۱، ص ۴۶-۵۰.

روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوابی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۴.

السّخاوی، شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن (۱)، الصّوّء الأعمع لأهل القرن التاسع، منشورات دار مکتبه الحیاة، بیروت، بی تا.
_____ (۲)، وجیز الکلام فی الذّیل علی دول الإسلام، به کوشش بشّار عوّاد معروف و غصام فارس الحرسستانی و أحمد الخطیّنی، مؤسّسة الرّسالة، بیروت، بی تا.

- سرسیس، یوسف لیان، معجم المطبوعات العربية و المعربة، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۴۱۰ ق.
- سلطان‌الواعظین، سید محمد، شب‌های پیشاور، محقق عبدالرضا درایتی، دارالتهذیب، قم، ۱۳۹۵.
- سیوطی، حافظ جلال‌الدین عبدالرحمن، بغية الوعاة في طبقات اللغويين و النحاة، مطبعة عيسى البابي الحلبي و شركاء، سوریه، ۱۹۶۵.
- شفیق اورنگ‌آبادی، لجهمی نراین، شام غریبان، تصحیح محمد اکبرالدین صدیقی، انجمن ترقی اردوی پاکستان، کراچی، ۱۹۷۷.
- شکبانیان، مهدی، و رضا پورجوادی، «کتاب‌شناسی میر سید شریف جرجانی (گرگانی)»، معارف، ش ۵۷، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴-۱۹۲.
- شوکانی، محمد بن علی، البدر الطالع بمحاسن من بعد قرن السابع، دار ابن کثیر، القاهرة، بی‌تا.
- شیرازی، عیسی بن جنید، هزار مزار، به کوشش نورانی وصال، کتابخانه احمدی، شیراز، ۱۳۶۴.
- صبا، محمد مظفر حسین، تذکرة روز روشن، به تصحیح و تحشیة محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، کتابخانه رازی، تهران، ۱۳۴۳.
- صدرایی خویی، علی، میراث مشترک ایران و هند، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۳۹۱.
- صدیق حسن (۱)، أبجد العلوم، وضع حواشیه و فهارسه أحمد شمس‌الدین، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- _____ (۲) تذکرة شمع انجمن، تصحیح و تعلیقات محمد کاظم کهدویی، دانشگاه یزد، یزد، ۱۳۸۶.
- طاش‌کوپری‌زاده، احمد بن مصطفی (۱)، الشقائق التعمانية في علماء الدولة العثمانية، بی‌نا، استانبول، بی‌تا.
- _____ (۲)، مفتاح السعادة و مصباح السيادة في موضوعات العلوم، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
- عباسی نوشاهی، سید خضر (۱)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور «گنجینه آذر»، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶.
- _____ (۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه همدرد کراچی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۸.
- _____ (۳)، گنجینه شوق، کافی پبلیکیشن، کراچی، ۱۹۹۳.
- عبدالحق محدث دهلوی، اخبار الاختیار فی اسرار الابرار، تصحیح علیم اشرف‌خان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.
- عظیم‌آبادی، حسینقلی‌خان، تذکرة نثر عشق، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج‌سیدجوادی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۱.
- عیوضی، محمدعلی، «قوم‌الدین کربالی و سید شمس‌الدین محمد بن شریف جرجانی در مجموعه بلاغی عبدالرحیم بن معروف رازی»، میراث شهاب، ش ۸۶، ۱۳۹۵، ص ۲۷-۵۰.
- غنی، قاسم، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، زوار، تهران، ۱۳۶۶.
- غنی، محمد عبدالغنی، تذکرة الشعراء، به کوشش محمد اسلم‌خان، سعود احمد دهلوی، دهلی، ۱۹۹۹.
- فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی، تذکرة میخانه، به اهتمام احمد گلچین معانی، اقبال، تهران، ۱۳۶۷.
- فرصت شیرازی، محمد نصیر، آثار العجم، به کوشش منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷.
- قاطعی هروی، تذکرة مجمع الشعراء جهانگیرشاهی، با تصحیح و تعلیق و مقدمه محمد سلیم اختر، مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی، کراچی، ۱۹۷۹.

- کاشفی، فخرالدین علی بن حسین واعظ، رشحات عین‌الحیات، به کوشش علی اصغر معینیان، بنیاد نیکوکاری نوریانی، تهران، ۱۳۵۶.
- کرمانی، عبدالرزاق، شاه نعمت‌الله کرمانی، به کوشش ژان اوبن، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۶۱.
- کوموش، صدرالدین، «السید الشریف الجرجانی و مکانته فی العلوم الاسلامیه»، التراث العربی، ش ۱۱۶۶، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵-۴۵.
- اللكنوی هندی، أبو الحسنات محمد عبدالحی، الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیة، عنی بتصحیحه و تعلیق بعض الزوائد علیه محمد بدرالدین أبوفراس التعمسانی، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۲۴ق.
- محمد قدرت‌الله گوپاموی، تذكرة نتائج الأفكار، تصحیح یوسف بیگ باباپور، مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۸۷.
- مدرّس، محمد علی، ریحانة الأدب، خیام، تهران، ۱۳۷۴.
- المرادی، محمد خلیل، سلك الدرر فی أعیان القرن الثانی عشر، تحقیق أكرم حسن العلی، دار صادر، بیروت، ۲۰۰۱.
- مستوفی باقی، محمد مفید، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، تهران، بی تا.
- مشار، خان بابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز تاکنون، بی تا، بی جا، ۱۳۴۲.
- معصوم‌علیشاه، محمد، طرائق الحقائق، به کوشش محمدجعفر محجوب، سنایی، تهران، بی تا.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، درر العقود الفریدة فی تراجم الأعیان المفیدة، به کوشش محمود الجلیلی، دارالغرب الإسلامی، بیروت، ۲۰۰۳.
- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۹۲-۱۹۸۳.
- نقوی، سید علیرضا، تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، علمی، تهران، ۱۳۴۳.
- نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- نوشاهی، عارف (۱)، فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۶.
- _____ (۲)، «فهرست نسخه‌های خطی عربی و فارسی کتابخانه نوشاهی (سahن یال پاکستان)»، مترجم سید حسن عباس، نشریه تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ش ۱۸، ۱۳۷۰، ص ۴۱-۸۰.
- _____ (۳)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی آرشیو ملی پاکستان اسلام‌آباد: گنجینه مفتی فضل عظیم بهیروی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۰.
- _____ (۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۶.
- _____ (۵)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور (پاکستان) (مجموعه‌های آزاد، پیرزاده، شیرانی، کیفی و عمومی)، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۰.
- _____ (۶)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان-کراچی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۶۲.
- _____ (۷)، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۱.

واله داغستانی، علینقی، تذکرة ریاض الشعراء، مقدمه، تصحیح و تعلیقات سید محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۴.

هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان، تذکرة مخزن الغرائب، به اهتمام محمد باقر، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۷۰.
هدی، م، ز، «سلطان سکندر لودی پادشاه شاعر و علم‌پرور»، ترجمه پوهاند میر حسین شاه، آریانا، س ۲۸، ش ۶، ۱۳۴۹،
ص ۲۶-۳۴.

یزدی مطلق (فاضل)، محمود، «اسکندریه تألیف علامه میر سید شریف گرگانی»، محقق‌نامه، بهاء‌الدین خزّمشاهی و جویا
جهانبخش، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.

